DOI: 10.22122/rbs.v17i2.2515

کشف عوامل مؤثر بر طلاق در ازدواج‌های زودهنگام: یک مطالعه کیفی نظام‌مند

حامد حیدری[۱]، سید علی کیمیایی[۲]، غلامرضا خویی‌نژاد[۳]، علی مشهدی[۴]

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: طلاق به‌عنوان یک آسیب اجتماعی در سال‌های اخیر در ایران و دنیا افزایش‌یافته است. محققان علل مختلفی را برای آن ذکر نموده‌اند ازجمله: اختلافات شدید اعتقادی، تربیت‌های متفاوت، خصوصیات شخصیتی ناسازگار و... که به تعارض و درنهایت طلاق ختم می‌شود. هدف از این پژوهش کشف عوامل مؤثر بر طلاق در ازدواج‌های زودهنگام بود.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر مبتنی بر رویکرد کیفی و از نوع گراند تئوری است. بدین منظور ۲۰ نمونه به روش مبتنی بر هدف انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه‌های عمیق و باز استفاده شد. متن مصاحبه‌ها ضبط گردید و پس از مکتوب‌سازی با روش کدگذاری باز، محوری و گزینشی که Strauss و Corbin در کتاب خود معرفی کرده است، تجزیه‌وتحلیل شد. به‌منظور افزایش اعتبار داده‌ها از قضاوت ارزیابان نیز استفاده شد.

یافته‌ها: از مجموع یافته‌های این مطالعه، چهار مفهوم اصلی که بیان‌گر ساختار تعارض بودند، استخراج شد. این مفاهیم شامل: اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی و شخصیتی بودند. نتایج تحقیق که با کمک کدگذاری باز، محوری و انتخابی مشخص شد، نشان داد که عوامل و زمینه‌هایی چون سن نامناسب، ازدواج از روی اجبار، عدم درک نقش زن و مرد، تفاوت شخصیتی و فرهنگی، مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی ناکارآمد، مسائل اقتصادی، دخالت اطرافیان، نبود شبکه حمایتی، انتظارات غیرواقعی از همسر، برآورده نشدن نیازها، سردرگمی هویت، هیجانات منفی و عدم ابراز هیجانات، الگوی ارتباط منفی والدین، آشفتگی خانوادگی، تفاوت فاحش بین زوجین (تحصیلی، ظاهری، خانوادگی، شخصیتی)، دلبستگی ناایمن و عدم انعطاف روان‌شناختی، تعارض و طلاق را تسریع می‌کند.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد که بهره‌مندی زوجین از مشاوره قبل از طلاق و آگاهی و شناخت از خود و جنس مخالف و تصمیم‌گیری مسئولانه و بالغانه می‌تواند نقش مهمی در موفقیت ازدواج داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: مشاوره، طلاق، ازدواج زودهنگام.

ارجاع: حیدری حامد، کیمیایی سیدعلی، خویی‌نژاد غلامرضا، مشهدی علی. **کشف عوامل مؤثر بر طلاق در ازدواج‌های زودهنگام: یک مطالعه کیفی نظام‌مند.** مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۳۹۸؛ ۱۷(۲): ۳۲۳-۳۱۴.

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۲۵ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۲۵

۱- دانشجوی دکتری، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، مشهد، ایران.
۲- دانشیار، گروه روانشناسی مشاوره و تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
۳- استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد. ایران.
۴- دانشیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
نویسنده مسئول: دکتر سید علی کیمیایی
Email: kimiaee@um.ac.ir

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.14.9]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.314]

مقدمه

طلاق ازجمله آسیب‌های اجتماعی است که روابط افراد، ساختار خانواده و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (۱). طلاق شیوه‌ای از ابراز نارضایتی اجتماعی و مشاجره بین دو شریک است (۲). طلاق یکی از آسیب‌های اجتماعی جامعه است که علاوه بر نهاد خانواده تمامی اقشار جامعه به‌نوعی درگیر عوارض سوء آن هستند (۳). پژوهشگران برای مدت طولانی، طلاق را همچون وقایعی مانند تولد، مرگ، از دست دادن شغل، ترفیع، نقل‌مکان و ازدواج، به‌عنوان یک حادثهٔ پر دغدغه در زندگی به‌حساب می‌آورند. ازاین‌رو طلاق به‌عنوان یکی از منابع استرس‌زای مهم، می‌تواند ساخت‌های شناختی افراد را دچار اختلال کرده و آنان را در استفاده از شیوه‌های مقابله با استرس با انبوهی از مشکلات مواجه سازد (۴). عوامل اجتماعی مانند سطح تحصیلات، طبقه و حمایت اجتماعی، شغل و مذهب نقش چشمگیری در ازدواج و به طبع آن سلامت جسمی و روانی دارند و نقش آن‌ها بر روی عواملی چون خشونت علیه زنان مورد ارزیابی قرارگرفته است (۵). از این زاویه، انتظار می‌رود که افراد مطلقه با خاتمهٔ ازدواج و بروز طلاق و به دنبال آن طی سال‌های بعد از طلاق با توده‌ای از فشارهای روانی مواجه شوند (۶). طلاق به‌عنوان یک آسیب اجتماعی در سال‌های اخیر در ایران و دنیا افزایش‌یافته است. محققان علل مختلفی را برای آن ذکر نموده‌اند: اختلافات شدید اعتقادی، تربیت‌های متفاوت و خصوصیات شخصیتی ناسازگار، باعث برخوردها و تنش‌هایی می‌گردد که به تعارض و درنهایت طلاق ختم می‌شود (۷). همچنین ازدواج زودهنگام با افزایش خطر ابتلا به طلاق در ارتباط است و ازدواج در سنین پایین مشکلات اقتصادی، اجتماعی، شخصیتی، خانوادگی و حتی باروری را به همراه دارد (۹, ۸).

درنتیجه بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند یکی از مهم‌ترین فاکتورها و پیش‌بینی کننده‌های ازدواج، سن افراد است (۱۰). پژوهش‌ها نشان می‌دهد کسانی که زود ازدواج می‌کنند فاقد آشنایی با نقش‌های زناشویی هستند و این عدم آگاهی منجر به عدم شکل‌گیری صمیمیت و درنتیجه بی‌ثباتی زناشویی می‌شود (۱۱). همچنین نارضایتی و تعارض می‌تواند ناشی از ناهماهنگی زن و شوهر در نوع نیازها و روش ارضاء آن، خودمحوری، اختلاف در خواسته‌ها، طرحواره‌های رفتاری و رفتار غیرمسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج باشد که خود منبعث از سن زوجین است (۱۲). علاوه بر علت‌های ذکرشده محققان علت‌های دیگری را نیز برمی‌شمارند که عبارت‌اند از: عدم ارتباط مؤثر، نداشتن مهارت حل مسئله، پرخاشگری، نارضایتی جنسی، عدم توافق مالی، رشد عاطفی و تعارض در تربیت فرزندان است (۱۳). درحالی‌که یکی از عوامل مهم در ارتباط با رضایت و سازگاری زناشویی عوامل شخصیتی و آمادگی شناختی لازم برای ازدواج است (۱۴). نظر به اهمیت خانواده و جایگاه آن به‌عنوان «مایه آرامش» در فرهنگ ما، همچنین تأکید قانون اساسی بر اهمیت و قداست این نهاد مهم و اولیه، ضروری است دلایل اختلال و تعارضات در خانواده مورد ارزیابی دقیق علمی قرار گیرد. چراکه با مشخص شدن دلایل تعارضات و آثار زیان‌بار آن با آگاه‌سازی خانواده‌ها، پیشگیری و مداخلات درمانی می‌توان بنیان خانواده را استحکام بخشید؛ بنابراین با توجه به مطالب ذکرشده محقق درصدد است که با توجه به نظریه داده بنیاد عوامل مؤثر بر طلاق در ازدواج‌های زودهنگام را کشف نماید.

مواد و روش‌ها

این پژوهش از نوع کیفی بود که با توجه به هدف مطالعه با رویکرد زمینه‌ای (Grounded theory) در سال ۹۷-۹۶ انجام شد. جامعه آماری مطالعه متشکل از تمامی زنانی است که زیر ۱۸ سال ازدواج کرده‌اند و به دادگاه شهرستان کاشمر در استان خراسان رضوی جهت طلاق مراجعه نموده‌اند؛ بدین‌صورت که بر اساس معیارهای مشارکت‌کنندگان، افرادی که غنی از اطلاعات بوده، توانایی برقراری ارتباط و تمایل به بیان اطلاعات خود داشتند به‌عنوان مشارکت‌کنندگان انتخاب شدند. مطالعه با نمونه‌گیری مبتنی بر هدف (متناسب با پژوهش کیفی) شروع شد و جمع‌آوری اطلاعات تا رسیدن به غنای لازم و به عبارتی اشباع اطلاعاتی ادامه یافت. جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت میدانی و با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته صورت گرفت. هر یک از مصاحبه‌ها با سؤال باز آغاز می‌شد و سؤالات پیگیری با توجه به اطلاعاتی که شرکت‌کننده ارائه می‌داد، جهت روشن شدن مفهوم موردمطالعه مطرح می‌شد. مصاحبه‌ها حدوداً بین ۳۰ تا ۹۰ دقیقه طول کشید که روی نوار ضبط می‌شد. پس از پیاده

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.14.9]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.314]

کردن آن‌ها بر روی کاغذ، اطلاعات با Strauss و Corbin تحلیل گردید (۱۵). بدین‌صورت که ابتدا در کدگذاری باز یا سطح اول مفاهیم مرتبط بامطالعه مشخص شدند و کدهایی به آن‌ها اختصاص داده شد. سپس کدهای اصلی ازلحاظ تشابه و تفاوت جهت ایجاد طبقات مقایسه گردید و کدهایی که معنای یکسان داشتند در یک طبقه قرار گرفتند و طبقات بر اساس ویژگی‌ها و ابعادشان توسعه داده شدند. در کدگذاری محوری، روابط طبقات با زیرطبقات مشخص شد و طبقات بر اساس نیازها و مشکلات خاص توسعه داده شد و به کدهای انتخابی ویژه منتهی شد. به‌منظور اطمینان از دقت داده‌ها علاوه بر روش‌هایی چون مرور و تأیید مطالب توسط شرکت‌کنندگان، اعتبار پژوهشگر و وابستگی یافته‌ها، تلفیق در روش‌های جمع‌آوری داده‌ها و به‌کارگیری نظرات تکمیلی همکاران استفاده شد. همچنین نمونه‌گیری از افراد و یا شرایط متفاوت ادامه یافت و از پدر و مادر زوجین و ارائه‌دهندگان خدمات حمایتی نیز دعوت به مطالعه شد و نمونه‌گیری نظری تا زمان اشباع ادامه یافت و بدین‌ترتیب در طی نمونه‌گیری علاوه بر زوجین و خانواده‌هایشان، به‌منظور اطمینان از دقت داده‌ها و جهت حداکثر تعمیم‌پذیری یافته‌های حاصل از پژوهش کیفی امام‌جمعه، فرماندار، ریاست دادگستری، دادستان، ریاست بهزیستی، ریاست آموزش‌وپرورش و مشاوران خانواده مورد مصاحبه قرار گرفتند. ملاحظات اخلاقی این پژوهش شامل کسب رضایت آگاهانه از مشارکت‌کنندگان در پژوهش و ضبط مصاحبه آنان، عدم درج نام مصاحبه‌شوندگان، امانت‌داری در انتقال متون مصاحبه از ضبط به ثبت، رعایت اصل رازداری و محرمانه بودن اطلاعات و حفظ حق کناره‌گیری در هر مرحله از پژوهش بود.

یافته‌ها

شرکت‌کنندگان در پژوهش شامل ۲۰ نفر با دامنه‌ی سنی ۲۳-۱۱ بودند. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری که Strauss و Corbin در کتاب خود اشاره کرده است انجام شد. از مجموع یافته‌های این پژوهش تعداد زیادی کد مفهومی استخراج شد که در چهار مفهوم محوری اجتماعی، شخصیتی، اقتصادی و خانوادگی قرار گرفت (جدول ۱).

در این مرحله محقق سعی نمود حداکثر کدهای ممکن متناسب با داده‌ها را تشخیص داده و با انجام مقایسه دائمی داده‌ها و با تعامل مستمر با داده‌ها، کدهای تکراری مشخص و کدهای قابل‌ترکیب با یکدیگر ادغام شوند. در ادامه دسته‌بندی کدها صورت گرفت و زیرطبقات شکل گرفت. با ادامه روند مقایسه مداوم بین زیرطبقات و دسته‌بندی زیرطبقات مشابه، طبقاتی با مفاهیم انتزاعی‌تر در قالب طبقات اصلی شکل گرفت.

در مطالعه حاضر در مرحله کدگذاری محوری بر اساس روش Strauss و Corbin ارتباط بین طبقات و زیرطبقات با استفاده از ابزاری به نام پارادایم که متمرکز بر شرایط علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای، پدیده، استراتژی‌های کنش/ کنش متقابل و پیامدها می‌باشد، برقرار گردید. جدول ۲ نتایج کدگذاری محوری مطالعه حاضر را بر اساس مصاحبه‌های کیفی نشان می‌دهد.

جدول ۲. کدگذاری محوری با مقوله اصلی تنش و طلاق

علت ساختاری	طبقات
شخصیتی	سردرگمی هویت، سن نامناسب، تفاوت فاحش جسمی- روانی بین زوجین، عدم درک نقش زن و مرد، برآورده نشدن نیازها، هیجانات منفی و عدم ابراز هیجانات، عدم شناخت از خود و جنس مخالف، نداشتن مهارت و پختگی، عدم انعطاف روان‌شناختی
اجتماعی	دخالت اطرافیان و ازدواج از روی اجبار، تفاوت شخصیتی و فرهنگی، نقش و جایگاه، احساس قربانی، نبود شبکه حمایتی و کاهش سرمایه اجتماعی درون خانواده
خانوادگی	الگوی ارتباط منفی والدین، فضای ناایمن و آشفتگی خانوادگی، چرخه خانوادگی، دلبستگی ناایمن
اقتصادی	عدم ثبات، تجمل‌گرایی، توقعات مادی و نبود مدیریت درآمد

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.14.9]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.314]

جدول ۱. کدگذاری باز داده‌ها

مقولات استخراج‌شده	مفاهیم
برآورده نشدن نیازها و ترس از آینده	هنوز منو با اسم صدا نکرده، بیشتر شب‌ها با لباس بیرون می‌خوابه، میگه چرا چاقی، میگه چرا موهات کوتاهه، زمان‌های کمی رو باهم می‌گذرونیم، میگه به من احترام نمیذاری، لوندی بلد نیستی، دوست داره بیشتر با دوستاش بره بیرون و تفریح، خیلی وقته صبحانه در کنار هم نخوردیم، اولش خوشحال بودم شوهر کردم اما وقتی می‌دیدم همش دلخوره، با خودم فکر کردم که نکنه انتهای راهه، یا نکنه دیگه رنگ خوشی را نبینیم هرچند تو این مدت هم ندیده بودیم، چون بالاخره تازه عروس داماد بودیم دیگه.
نارضایتی از روابط عاطفی و زناشویی	خیلی ازم ایراد می‌گیره، فکر می‌کنم قبلاً دوست دختر زیاد داشته، گاهی اسم اونارو صدا میزنه، منو با دیگران مقایسه می‌کنه، سردی رابطه‌مون خیلی چیزا رو تحت تأثیر قرار داده، احساس می‌کنم داره ازم دور میشه، توجهی که به دیگران داره به من نداره، سرشار از احساسه اما برای من احساسی نداره، انگار نه انگار منم آدمم.
مسائل اقتصادی	میگه ولخرجی، الکی بریز بپاش داری، خونه بابات چی داشتی، پول علف خرس نیست، کوری نمی‌بینی اوضاعم خرابه، حیفش میاد پول خرج کنه، آدم خسیسیه.
دخالت اطرافیان	فکر می‌کنم همه چیز از گور اون داداشش در میاد، اونه که موش میدوونه تو زندگیمون، چشم دیدن مارو نداره، تا وقتی که حرف و حدیث نباشه زندگیمون آرومه، انگار دیگران برای زندگیمون تصمیم می‌گیرن، جلوی خانواده همسرم تحقیر می‌شم، همه کارام زیر ذربینه، نمیدونم باید به چند نفر جواب پس بدم.
نداشتن مهارت زناشویی و زندگی	عینک بدبینی رو چشماشه، منو درک نمی‌کنه، سخت میشه باهاش حرف زد، دوست داره حرف حرف خودش باشه، حرف و عملش یکی نیست، نمیدونه چطور باید با همسرش رفتار کنه انگار من رفیقاشم، دائم میگه اینکارو بکن اون حرفو نزن، به حرفام گوش نمیده، دوست داره برنده بحث باشه و منو شکست بده، توهین میکنه، تحقیر میکنه، بد دهنه، کلاً انگار بحث کردن را دوست داره، فکر کنم تو عمرش نخندیده، همش قهر میکنه، زود بهش بر میخوره.
کاهش سرمایه اجتماعی درون خانواده	بهش شک می‌کنم، حرف که میزنه فکر می‌کنه میخام مچش رو بگیرم، خیلی وقت‌ها میخام درست رفتار کنم نمیشه، دنبال آتو هستم ازش تا سر بزنگاه از خودم دفاع کنم، ساز مخالف میزنه، میگه اصن هر کار دوست داری بکن، من چشم‌چرانی میکنم تو هم حجاب نداشته باش، اصن هرکی کار خودشو بکنه و به دیگری گیر نده.
عدم انعطاف روانشناختی	هر کی برای خودش غذا می‌خوره، یک روز حرف می‌زنیم ده روز نه، خونه که همش جنگ اعصابه، دیگه آرامش نداریم، نمیدونم چرا داریم به این زندگی لعنتی ادامه می‌دیم، تا میخایم حرف بزنیم دعوا میشه و تا فکر می‌کنیم به گذشته فقط تاریکی بوده و تاریکی.
تفاوت‌های فردی و فرهنگی	این طور بزرگ شده. داداشاشم همینطورن، منو با دیگران مقایسه میکنه، بدبخت من تو را فقط تحمل می‌کنم، از اول همه میگفتن این‌ها در شأن تو نیستن من جدی نگرفتم، فکر میکنه عقل کله و خیلی میفهمه، تفریحش با دیگرانه غم‌هاش برای ماست، به نظرات من اهمیت نمیده، توقعات بیجا داره، انگار من نوکرم اون ارباب، من زنش نمی‌شدم بهتر بود از همون قماش خودشون گیرش میومد.
سن نامناسب و عدم بلوغ همه جانبه	من شبکه پویا نگاه می‌کردم گفتن امشب آماده باش میخای عروس بشی، دوستام عروس بودن داخل مدرسه منو زهرا مجرد بودیم منم شوهر میخاستم، خب از لحاظ بدنی خیلی بزرگ بودم همه میگفتن فاطمه چاقالو، بهم می‌گفتن ترشیده، پیردختر کی میاد تو را بگیره بدبخت، دختر خاله و دختر عموهام عروس شده بودن، خواهرم دو سال از من بزرگتره عروس شده، برای خواهر کوچکترم خواستگار میومد من باید عروس می‌شدم.

کدگذاری انتخابی: هدف تئوری زمینه‌ای تولید نظریه است نه توصیف صرف پدیده‌ها. برای تبدیل تحلیل‌ها به نظریه باید طبقه‌ها به‌طور منظم به یکدیگر مربوط شوند. کدگذاری انتخابی (بر اساس دو مرحله قبلی کدگذاری) مرحله اصلی نظریه‌سازی است. به‌این‌ترتیب که طبقه محوری را به شیوه‌ای سازمان‌یافته به دیگر طبقه‌ها پیوند می‌دهد و آن رابطه را در چارچوب یک روایت ارائه می‌کند و طبقه‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتر نیاز دارد اصلاح می‌کند. در این مرحله پژوهشگر الگوی پارادایم را به‌صورت نظریه نهایی آن بیان می‌کند (۱۶).

با توجه به فهم خود از متن، پدیده موردمطالعه با چارچوب در این تحقیق علت‌های تعارض در بین زوجین عبارت بود از: اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی، شخصیتی. در زیر به توضیح برخی از کدهای انتخابی که به فهم بیشتر علت‌های تعارض کمک می‌کند اشاره می‌شود.

نبود مهارت‌های ارتباطی: زندگی مشترک تحت تأثیر عوامل زیادی قرار می‌گیرد که پاره‌ای از آن‌ها ممکن است زوجین را به سمت خاصی سوق دهد. پژوهش‌های مختلف نشان داده است که یکی از مهم‌ترین عوامل مشکل‌آفرین، اختلال در

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.14.9]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.314]

ارتباط یا به عبارتی اختلال در فرآیند تفهیم و تفاهم است. هرچند ممکن است ارتباط ضعیف یکی از نتایج تنش زناشویی باشد، نبود مبادله اطلاعات ممکن است خود حل اختلافات و تنش‌ها را به تأخیر بیندازد و احتمال دارد که ارتباط ضعیف، نارضایتی زناشویی را تقویت کند. اغلب مشکلات زناشویی از نداشتن و یا به کار نبستن مهارت‌های ارتباطی ناشی می‌شود. توانایی حل مسئله ازجمله مهارت‌های سازنده‌ای است که می‌تواند مشکلات همسران را کاهش دهد. همچنین آگاهی زوجین از طبیعی بودن اختلاف‌های زن و شوهر و نگریستن به تعارض به‌عنوان یک مسئله و چالش برای حل کردن مشکل نه تهدید زیان‌بار می‌تواند در حل اختلاف‌های آن‌ها کمک بسزایی را شامل شود.

نارضایتی از روابط عاطفی و جنسی: رضایت زناشویی یکی از عوامل مهم بر سلامت و از مهم‌ترین شاخص‌های رضایت از زندگی است که بر سلامت روان زوجین تأثیر می‌گذارد و متقابلاً نقش زیادی در کمتر شدن میزان تعارض‌ها بین همسران دارد. همسرانی که به یکدیگر علاقه دارند و نیازهای یکدیگر را برآورده می‌کنند بهتر می‌توانند مشکلات خود را برطرف نمایند.

«راستش وقتی‌که همسرم ازلحاظ روحی و عاطفی به من توجه می‌کنه یا روابط خصوصی خوبی با هم داریم اثرش تا مدت‌ها روی من باقی می‌مونه و کمتر پیش میاد بینمون تنش ایجاد بشه» (مصاحبه یکی از زوجین).

برآورده نشدن نیازها: نیاز به عشق ورزیدن تنها دلیل ازدواج دو نفر نیست. طبیعی است که هر یک از زوجین نیازهایی دارند که در صورت نادیده گرفتن سبب ایجاد مشکلاتی در روابط می‌شود؛ زیرا هر یک برای برآورده شدن نیاز خود به طرف مقابل فشار می‌آورد و این خود آغاز تعارضات است. آنها کم‌کم از تصور آرمانی که در ذهن خود از همسرشان داشته‌اند، فاصله می‌گیرند و به همین دلیل است که زوجین گاهی به هم می‌گویند: «تو با آن چیزی که من فکر می‌کردم خیلی فاصله داری».

گاهی نیاز به تنهایی دارم؛ اما همش کلید می‌کنه چی شده؟ گاهی انتظار دارم از من و کارهام تشکر کنه؛ اما انگار نه انگار. تا حالا نشده غرور منو جلو خانوادش حفظ کنه (مصاحبه یکی از زوجین).

تفاوت‌های فردی و فرهنگی: افراد هر یک برخاسته از خاستگاه خانوادگی منحصربه‌فرد هستند. بیشتر پژوهش‌ها بر تأثیر تجربیات خانواده بر شخصیت و رفتار افراد تأکید می‌کنند. روانشناسان معتقدند افرادی که روابط خوبی را در خانواده مبدأ تجربه کرده‌اند به‌احتمال‌زیاد در بزرگ‌سالی ارتباط خوبی با دیگران دارند. به عبارتی رفتار والدین بر بچه‌ها اثر می‌گذارد و به‌نوعی آن‌ها این الگو را در آینده به کار می‌برند؛ بنابراین اساس زندگی که حاصل جمع دو خانواده ناهمگون باشد می‌تواند بسترساز اختلافات زیادی بین زوجین باشد.

«رفتاراش مثل باباشه، نمیدونه چطور باید با من رفتار کنه با اینکه میدونه و بارها گفتم چه چیزهایی منو ناراحت میکنه ولی بازم به رفتارش ادامه میده، از اون بدتر که گاهی اصلاً نمیفهمه رفتارهاش زننده است و نمیدونه کجا چه حرفهایی بزنه چه حرف‌هایی نزنه، انگار در پنجاه سال قبل زندگی میکنه»

دانش‌آموز از مدرسه به خانه می‌رود، قبل سلام می‌گوید مادر برایم خواستگار نیامده؟

اینجا اگر دختر تا دبیرستان ازدواج نکند پیردختر است (مصاحبه یکی از زوجین).

مسائل اقتصادی: بخش مهمی از اختلافات زناشویی به مسائل اقتصادی برمی‌گردد، توقعات مادی زیاد و گاهی ناهمگون، هزینه‌های بیجا و عدم مدیریت درآمد، نظام خانواده را با خطرات جدی روبرو می‌کند. از سوی دیگر تجمل‌طلبی و غرق شدن در مادیات و احساس بی‌نیازی هم به رفتارهای ناسازگارانه می‌انجامد.

«همش بهم میگه من برم جون بکنم تو هم بخور و بخواب و فقط خرج کن و آرایش کن و بزک کن برو تو خیابون حال کن، انگار پول علف خرسه» (مصاحبه یکی از زوجین).

دخالت اطرافیان و نبود شبکه حمایتی: هر چه افراد خانواده دخالت دیگران را در زندگی خویش پذیرا باشند، بیشتر بنیان خانواده را در معرض ازهم‌گسیختگی و انحلال قرار می‌دهند.

دخالت اطرافیان باعث دلسردی افراد از زندگی می‌شود و تا جایی پیش خواهد رفت که سبک زندگی خانواده تحت سیطره

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.14.9]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.314]

دیگران خواهد بود و باعث سلب آرامش و تعارضات پایدار بین خانواده‌ها و تهدیدات جدی برای ادامه زندگی مشترک می‌شود.

«رفتار بعضی از افراد خانواده شوهرم خوبه مثل پدرشوهرم، اما مادر شوهرم و برادران شوهرم همش در زندگی ما دخالت می‌کنند. برای همسرم تعیین تکلیف می‌کنند، انگارنه‌انگار که پسرشان بزرگ شده و مستقل است» (مصاحبه یکی از زوجین).

درگیری لفظی و فیزیکی: زمانی که اختلاف شدت گرفت، سوءتفاهم‌ها نیز بیشتر می‌شود. هر یک از زوجین سعی در دفاع از رفتار خود دارد و درصدد است خود را بی‌گناه و دیگری را مقصر جلوه دهد. اینجاست که حرمت‌ها کم‌کم شکسته می‌شود و به خشونت و تهمت و افترا و زدوخورد کشیده می‌شود.

«یک‌بار داشتیم عادی حرف می‌زدیم و عکس‌ها را داخل گوشی نگاه می‌کردیم که من یک عکس را پاک کردم شوهرم بسیار عصبانی شد و گوشی را به دیوار کوبید و فریاد زد: بدون اجازه من چرا عکس را پاک کردی؟ هرچی دلیل آوردم بیشتر بهانه می‌گرفت و هرچی از دهنش در میومد به من گفت. آخرسر من هم گفتم هرچی باشم از خواهرت بهترم اون هم مشتی به من زد» (مصاحبه یکی از زوجین).

کاهش سرمایه اجتماعی درون خانواده: در ساختار خانواده هنگامی‌که ارزش‌ها و هنجارها مورداحترام و عمل قرار نگیرد، خانواده دچار کاهش سرمایه می‌شود. زمانی که منافع فردی بر منافع خانوادگی مقدم می‌شود، روابط بین زوجین مختل و به بی‌اعتمادی و عدم مشارکت در امور زندگی و مدیریت صحیح و برنامه‌ریزی منجر می‌شود و درنهایت موجبات اختلال در نظم کارکرد خانواده را فراهم می‌سازد.

«اون خودخواهه، فقط به خودش فکر میکنه، بگذریم فکر کردن بهش هم حالم را خراب میکنه» (مصاحبه یکی از زوجین).

طلاق عاطفی: زمانی که اختلافات شدت گرفت و طرفین در حل اختلافات به نتیجه نرسند نسبت به یکدیگر بی اعتنا می‌شوند و هر یک روشی را که باب میل خویش است در پیش می‌گیرد. این مسئله با تعریفی که از ازدواج و خانواده وجود دارد منافات دارد؛ بنابراین ارزش‌های خانواده و اصولی که برایش تعریف‌شده نادیده گرفته می‌شود و پیامد خوبی برای زوجین به همراه ندارد. در طلاق عاطفی شکل خانواده حفظ می‌شود اما از درون متلاشی می‌شود. در این حالت زوجین تعهدی در برابر وظایفشان نسبت به یکدیگر احساس نمی‌کنند، نسبت به یکدیگر سرد می‌شوند و درواقع به‌اجبار (بچه یا ترس از آبرو) با یکدیگر زندگی می‌کنند. برخلاف طلاق رسمی که در آمارها بیان می‌شود این مدل پنهان است و نمی‌توان آمار دقیقی ارائه کرد، چه‌بسا شمار زیادی را شامل باشد. این مدل از طلاق حاصل تعارضات زوجین است که بدون داشتن شرایط ازدواج تن به ازدواج داده‌اند.

«من از هفته اول فهمیدم شوهرم دوستم نداره، جسمش پیش من بود حواسش نمیدونم کجا، ما فقط داریم میگذرونیم ببینیم آخرش چی میشه، هرچند مهم هم نیست ما به اجبار خانواده‌ها داریم این زندگی را ادامه میدیم وگرنه ما خیلی وقته از هم جدا شدیم و حسی به یکدیگر نداریم» (مصاحبه یکی از زوجین).

بحث و نتیجه‌گیری

افزایش فروپاشی و تعارض در خانواده از چالش‌های اساسی خانواده معاصر است. از چند روش می‌توان به مفهوم‌سازی طلاق اقدام کرد. ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین راه این است که معنی لغوی آن را به معنای گشودگی و رهایی مدنظر قرار دهیم. بدین معنا که طلاق پایان زندگی تأهلی است. طلاق قطع رابطه زوجین توسط دادگاه و در زمان معین است. اگرچه طلاق عبارت است از انحلال نکاح اما این طرز تلقی نارسا است چراکه طلاق پدیده‌ای روان‌شناختی و اجتماعی است که تبیین و مفهوم‌سازی آن نیز متأثر از عوامل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی است (۱۶)؛ چنانکه برای مشارکت‌کنندگان این پژوهش، طلاق برگرفته از تجارب درک شده‌ای است که به‌طور عینی و ذهنی با آن روبرو بوده‌اند. این در حالی است که تعداد کمی از شرکت‌کنندگان، طلاق را معادل لغوی آن «جدایی دو نفر» یا معادل تعریف قانونی آن دانسته‌اند. یافته‌های به‌دست‌آمده از تجارب مشارکت‌کنندگان، طلاق را یک فرآیند می‌دانند که عوامل زیادی در آن دخیل است و دارای اثرات مثبت (آزادی و رهایی) و منفی (احساس شکست و دید نامناسب جامعه) است.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.14.9]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.314]

در این مطالعه، چهار مفهوم اصلی (خانوادگی، شخصیتی، اجتماعی، اقتصادی) بیان‌گر ساختار اصلی تعارض بودند که عامل سن در همه آن‌ها حائز اهمیت است.

در بعد مفهوم خانوادگی، از عوامل مربوط به طلاق در این پژوهش می‌توان به نداشتن الگوی مناسب زوجین در خانواده مبدأ، سنت‌ها و مذهب، عدم صمیمیت و همدلی، عدم تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری روانشناختی، عدم شناخت درست از خود و جنس مخالف، نگاه سطحی و گاهی رویایی به ازدواج اشاره کرد.

درنتیجه بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند یکی از مهم‌ترین فاکتورها و پیش‌بینی کننده‌های ازدواج سن افراد است (۱۹،۲۰، ۱۲،۱۸). بلوغ به‌عنوان یک توضیح چندبعدی از رابطه و کمک‌کننده به تداوم ازدواج پایدار است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد کسانی که زود ازدواج می‌کنند فاقد آشنایی با نقش‌های زناشویی هستند و این عدم آگاهی منجر به عدم شکل‌گیری صمیمیت و درنتیجه بی‌ثباتی زناشویی می‌شود (۱۱).

در بعد مفهوم شخصیتی، سن پایین در هنگام ازدواج یکی از دلایل اصلی طلاق در این پژوهش بود، مخصوصاً زمانی که ازدواج اجباری یا از روی اجبار یا مصلحت‌اندیشی باشد. تبیینی که برای این یافته می‌توان در نظر گرفت این است که افراد در سنین پایین هنوز فرآیند هویت‌یابی را طی نکرده‌اند و تصویر روشنی نسبت به آنچه از ازدواج، همسر و زندگی زناشویی می‌خواهند ندارند و یا اگر دارند امکان تغییر آن بسیار زیاد است. به‌عنوان‌مثال یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید: «من سنم کم بود، عقلم نمی‌رسید، تازه بعد چند سال فهمیدم این اون چیزی نیست که من از زندگی میخوام». بنابراین ممکن است افراد در ابتدا نیز با رضایتمندی وارد ازدواج شده باشند ولی پس از گذشت چند سال احساس عدم رضایت نسبت به انتخاب خود داشته باشند. می‌توان گفت این افراد یک دوره رشدی را به‌خوبی پشت سر نگذاشته‌اند که می‌تواند دوره‌های بعدی را نیز با مشکل مواجه سازد.

در بعد مفهوم اجتماعی، عوامل دیگری که ازدواج در سن پایین را مخاطره‌آمیز می‌سازد، عدم آمادگی و پختگی لازم برای ازدواج و عدم مهارت‌های لازم برای زندگی زناشویی است. شاید درگذشته مهارت‌های زیادی برای ورود به زندگی زناشویی لازم نبود و افراد خیلی سریع‌تر و در سنین پایین‌تر به این مهارت‌ها می‌رسیدند و حتی فرآیند هویت‌یابی خیلی سریع‌تر اتفاق می‌افتاد، ولی امروزه با پیشرفت تکنولوژی و افزایش انتظارات همسران از رابطه زناشویی و ازدواج و به‌طورکلی تفاوت معنایی که امروزه افراد برای ازدواج و کارکردهایش نسبت به گذشته دارند، به مهارت‌های بسیاری برای ورود به رابطه زناشویی نیاز دارند (۲۱). درگذشته ازدواج و حتی فرزند آوری یک هدف بود ولی امروزه ازدواج وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف دیگر است، امروزه افراد نسبت به نیازهای خودآگاهی بیشتری یافته‌اند و اساساً نیازهای بیشتر و گسترده‌تری را هم ادراک و هم ارضای آن‌ها یا کمک به ارضای آن‌ها را از ازدواج و رابطه زناشویی مطالبه می‌کنند، بنابراین نسبت به گذشته رسیدن به بلوغ و پختگی و ثبات نسبی قبل از ازدواج و انتخاب آگاهانه نقش بسیار مهم‌تری در یک ازدواج موفق و عدم وجود آن به عدم توفیق ازدواج دارد.

در بعد مفهوم اقتصادی، از نگاه پژوهشگر با توجه به همه این موارد جامعه ایران سرشار از استرس‌های گوناگون است و یا زمینه‌ساز استرس است. از یک‌سو استرس‌ها و فشارهای اقتصادی از دیگر سو فشاری که به افراد جامعه به دلیل عبور از سنت به مدرنیته و در پی آن تغییرات گسترده‌ای که در نهادها و هنجارهای مختلف اجتماعی- اقتصادی به وجود می‌آید و منجر به تغییر در نهاد خانواده و هنجارهای آن می‌شود. جنبه دیگری که باید آن را در نظر داشت این است که زندگی در جامعه‌هایی که بی‌ثباتی‌های فراوان دارد و به نیازهای افراد پاسخگو نیست و بیشتر در نقش یک والد دیکتاتور عمل می‌کند که مدام بازداری می‌کند و سرشار از مطالبه‌گری است، خود نیز منبع ناایمنی است، گویی افراد دلبستگی ناایمن به جامعه خود دارند و همان‌طور که تاکنون بیان کردیم این ناایمنی‌ها می‌توانند با انتخاب‌های هیجانی و واکنشی ارتباط داشته باشد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های Tebes (۲۲) و Masarik و همکاران (۲۳) همسو است. یافته‌های این بخش از تحقیق با نظریه Collins و Kltrans همخوانی دارد، که عنصر فشار اقتصادی را در تضاد و تعارض خانوادگی مهم و مؤثر می‌داند.

مشاوره پیش از طلاق یکی از حوزه‌هایی است که کمبود رویه‌های علمی روشن و عملیاتی، به‌شدت در آن احساس می‌شود. برخلاف حوزه‌های دیگر که وجود نظریه‌های متعدد و

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.14.9]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.314]

نتایج پژوهش‌های انجام‌گرفته گزینه‌های عملی زیادی پیش روی متخصصان قرار داده است، گزینه‌های مشاوره پیش از طلاق بسیار محدود است. علی‌رغم اینکه این حوزه از ادبیات پژوهشی غنی برخوردار است فرآیند کاربرد نتایج این پژوهش‌ها به شیوه‌ای ملموس و عملیاتی به‌ویژه در بافت فرهنگی اجتماعی کشور ما به‌خوبی توصیف نشده است. این پژوهش با کمک رویکرد داده‌بنیاد درصدد بود تا به افراد کمک کند الگوهای منتقل‌شده از نسل‌های قبلی را شناسایی و با بینش حاصل‌شده واکنش‌پذیری هیجانی خود را مهار کنند، دیدگاهی عینی به مسائل و مشکلات اتخاذ کنند و به سمت تصریح هویت خود در بافت خانواده حرکت کنند و درنهایت مدل مناسبی را با توجه به فرهنگ جامعه ارائه دهد تا نه‌تنها از آمار طلاق بکاهد بلکه زندگی سعادتمندانه‌ای برای زوجین فراهم سازد. به‌طورکلی بهره‌مندی زوجین از مشاوره قبل از ازدواج و آگاهی و شناخت از خود و جنس مخالف و تصمیم‌گیری مسئولانه و بالغانه می‌تواند نقش مهمی در موفقیت ازدواج داشته باشد.

تقدیر و تشکر

مطالعه حاضر برگرفته از نتایج پایان‌نامه دانشجوی مقطع دکتری مصوب دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد بود. بدین‌وسیله از مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، اساتید راهنما، مشاور داور، مسئولین ادارات شهرستان، تمامی مشاوران و شرکت‌کنندگان در این پژوهش و تمامی افرادی که در انجام این تحقیق مرا یاری نمودند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

References

1. Amato PR. The consequences of divorce for adults and children: An update. Društvena istraživanja: časopis za opća društvena pitanja. 2014 Mar 1;23(1):5-24.
2. Adams M, Coltrane S. Framing divorce reform: Media, morality, and the politics of family. Family Process. 2007 Mar;46(1):17-34.
3. Ueda R, Yanagisawa K, Ashida H, Abe N. Executive control and faithfulness: only long-term romantic relationships require prefrontal control. Experimental brain research. 2018 Mar 1;236(3):821-8.
4. Aberoei M. Examine the predictors of divorce among couples. Isfahan: University of Isfahan; 2009.
5. Ansari Hooria, Farajzadegan Ziba, Al-Dirani Sobhi, Heidari Kamal. Omidi Razieh, Amini Zahra, Jafari Koshki Tohid. The Attitude of High School Students in Isfahan Province on Addictive Substance and its Relationship with Social and Health Effects. Journal of Isfahan Faculty of Medical. 2018. 494-501(479) 36؛ 1397.
6. Yilmaz AE, Fi § iloglu H. Psychometric properties of the Fisher Divorce Adjustment Scale in a turkish divorced sample. Journal of Divorce & Remarriage. 2006 May 31;45(1-2):149-69.
7. Malouff JM, Thorsteinsson EB, Schutte NS, Bhullar N, Rooke SE. The five-factor model of personality and relationship satisfaction of intimate partners: A meta-analysis. Journal of Research in Personality. 2010 Feb 1;44(1):124-7.
8. Myers J, Harvey R. Breaking vows: Early and forced marriage and girls education. Plan UK Because I am a Girl Campaign. Retrieved from http://www. becouseiamagirl. org [accessed in Pulau Pinang, Malaysia: 9th October 2012]. 2011 Jun.
9. Uthaug MV. *The Relationship Between Narcissistic Traits and Attitude Towards Infidelity* (Doctoral dissertation, Empire State College). 2016.
10. Amato PR. The consequences of divorce for adults and children. Journal of marriage and family. 2000 Nov;62(4):1269-87.
11. Lampard R. Age at marriage and the risk of divorce in England and Wales. Demographic Research. 2013 Jul 1;29:167-202.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.14.9]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.314]

12. Mo W. The divorce culture and picture books for young children. International Journal of Early Childhood. 2007;39(2):23.
13. Hamilton KA. The effects of marital conflict and marital environment on change in marital status. 2013.
14. Dolan FE. Re-reading Rape in" The Changeling". Journal for Early Modern Cultural Studies. 2011 Apr 1:4-29.
15. Juliet C, Anselm S. Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory. Thousand Oaks, CA. 1998.
16. Samal S, Gupta U, Dhadwe K, Gupta N. epidemiological study of male infertility indian medical gazette.2012: 174-80.
17. Shah siyah M, Bahrami F, Mohebi S. The survey of correlation between sexual satisfaction and sexual health. Journal of Principle of Psychological Health. 2010;11:233-8.
18. Graham SM, Negash S, Lambert NM, Fincham FD. Problem drinking and extradyadic sex in young adult romantic relationships. Journal of Social and Clinical Psychology. 2016 Feb;35(2):152-70.
19. Tangney JP, Baumeister RF, Boone AL. High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades, and interpersonal success. Journal of personality. 2004 Apr;72(2):271-324.
20. Sarkar P. Determinants and effect of early marriage in Bangladesh, 2007. Research Journal of Applied Sciences. 2009;4(5):178-84.
21. Charles P, Jones A, Guo S. Treatment effects of a relationship-strengthening intervention for economically disadvantaged new parents. Research on Social Work Practice. 2014 May;24(3):321-38.
22. Tebes JM. Contextual Factors and Environmental Differences Between Couples Divorce Compromised and not Compromise. Aula Orientalis. 2015;1:7-10.
23. Masarik A, Conger R, Martin M, Ferrer E. Intergenerational Transmission of Romantic Relationship Risk and Resilience to Economic Pressure. Conference: Society for Prevention Research 22nd Annual Meeting. 2013.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.14.9]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.314]

Discovering the Factors Affecting Divorce in Early Marriages: A Systematic Qualitative Study

Hamed Heidari[1], **Seyed Ali Kimiaei**[2], **Gholamreza Khoyinejad**[3], **Ali Mashhadi**[4]

Original Article

Abstract

Aim and Background: Divorce as a social injury has increased in recent years in Iran and worldwide. Researchers have cited a variety of causes, including: severe belief differences, different upbringings, maladaptive personality traits, etc. which lead to conflict and eventually divorce. The purpose of this study was to explore the factors that influence divorce in early marriages.

Methods and Materials: In this research, Grand Theory method, one of the qualitative research methods, was used. For this purpose, 20 samples were selected by purposive method. Depth and open interviews were used to collect data. The transcripts were transcribed and then analyzed using the open, fundamental, and selective coding method introduced by Corbin in his book. Evaluators' judgment was also used to increase the validity of the data.

Findings: From the findings of this study, four main concepts were identified that illustrated the structure of conflict. These included: social, family, economic, personality. The results of the study, characterized by open, fundamental, and selective coding, showed that factors such as inappropriate age, forced marriage, lack of understanding of the role of men and women, personality and cultural differences, inadequate social and communication skills, economic issues, Interference, lack of support network, unrealistic expectations of spouse, unmet needs, identity confusion, negative emotions and lack of emotion, negative parental communication pattern, family turmoil, gross differences between couples (school, appearance, family, personality) Insecure attachment and psychological inflexibility accelerate conflict and divorce.

Conclusions: It seems that couples' enjoyment of pre-marriage counseling and awareness and understanding of themselves and the opposite sex and responsible and mature decision-making can play an important role in success of marriage.

Keywords: Counseling, Divorce, Early Marriage.

Citation: Heidari H, Kimiaei SA, Khoyinejad Gh, Mashhadi A. **Discovering the Factors Affecting Divorce in Early Marriages: A Systematic Qualitative Study.** J Res Behav Sci 2019; 17(2): 314-323.

Received: 2019.06.15 Accepted: 2019.08.16

1- PhD Candidate, Department of Educational Sciences, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.
2- Associate Professor, Department of Education and counseling Psychology, Faculty of Educational Science and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
3- Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.
4- Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Educational Science and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
Corresponding author: Seyed Ali Kimiaei Email: kimiaee@um.ac.ir

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1398.17.2.14.9]
[DOI: 10.52547/rbs.17.2.314]